

انسجام ملی در دولت پزشکیان

سرمایه عبور از بحران

دولت چهاردهم در شرایطی کار خود را آغاز کرد که جامعه ایران با مجموعه‌ای از مسائل انباشته روبه‌رو بود. در چنین شرایطی، انسجام ملی برای دولت پزشکیان یک مفهوم سیاسی نبود بلکه به تدریج به یکی از الزامات عبور کشور از بحران تبدیل شد. اینا نوشت؛ اهمیت این مسأله زمانی بیشتر شد که کشور با بحران‌های امنیتی و جنگ روبه‌رو شد. جنگ ۱۲ روزه و پس از آن جنگ ۴۰ روزه، جامعه ایران را در موقعیتی قرار داد که بسیاری از اختلافات و تفاوت‌ها در برابر یک مسئله بزرگ‌تر و آن هم حفظ ایران و عبور کشور از یک تهدید خارجی قرار گرفت. مسعود پزشکیان بعد‌ها جنگ ۱۲ روزه را نماد وحدت ملی ایرانیان توصیف کرد و گفت مردم ایران فارغ از سلیقه و دیدگاه خود، هنگام دفاع از کشور یکپارچه عمل کردند.

معنای انسجام ملی

باید بر این نکته تأکید کرد که انسجام ملی الزاماً به معنای یکسان شدن دیدگاه‌های مردم نیست. جامعه‌ای که میلیون‌ها نفر با سلايق سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت دارد، طبیعی است که اختلاف نظر داشته باشد اما اتفاق مهم آنجاست که در بزنگاه‌های بزرگ، این اختلاف‌ها مانع از شکل‌گیری یک منافع مشترک نشود. در بحران‌های امنیتی اخیر نیز یکی از مهم‌ترین واقعیت‌ها همین بود. مردم می‌توانستند نسبت به بسیاری از مسائل داخلی، سیاست‌ها و عملکرد مسئولان نقد داشته باشند، اما تهدید علیه تمامیت ارضی کشور، مسئله‌ای متفاوت بود. در چنین شرایطی، ایران به نقطه‌ای تبدیل شد که بخش‌های مختلف جامعه می‌توانستند بر گرد آن اشتراک پیدا کنند. این همان نقطه‌ای است که انسجام ملی را از یک شعار سیاسی جدا می‌کند و انسجام واقعی زمانی شکل می‌گیرد که مردم، بدون آنکه درباره مسئله مسائل اتفاق نظر داشته باشند، در یک مسئله حیاتی احساس کنند سرنوشت مشترکی دارند. پزشکیان نیز در روایت خود از جنگ بر همین نقش مردم تأکید کرده است. او پس از پایان جنگ ۴۰ روزه، حضور آگاهانه مردم را عاملی برای خشن شدن سانایوهایی بی‌ثبات‌کننده و تقویت انسجام ملی دانست و گفت که حضور مردم سرمایه‌ای است که باید در بازسازی و پیشرفت کشور مورد استفاده قرار گیرد.

انسجام اجتماعی

اگرچه جنگ مهم‌ترین آزمون انسجام ملی بود اما نمی‌توان این مفهوم را به روزهای جنگ محدود کرد. یک جامعه زمانی واقعا انسجام پیدا می‌کند که بتواند کنار تهدید خارجی، فشار اقتصادی، کمبود منابع، اختلال در خدمات و نگرانی‌های روزمره را نیز مدیریت کند. از همین منظر، حفظ جریان زندگی مردم در شرایط بحران، بخش مهمی از حفظ انسجام اجتماعی است. تأمین کالاهای اساسی، استمرار خدمات درمانی، تأمین سوخت، حفظ شبکه‌های آب و برق و ادامه فعالیت دستگاه‌های اجرایی، فقط موضوعاتی اقتصادی یا اجرایی نیستند. هر اختلال گسترده در این حوزه‌ها می‌تواند اضطراب عمومی را افزایش داده و اعتماد مردم به توان مدیریت بحران را کاهش دهد. در جنگ ۱۲ روزه نیز بخش سلامت یکی از نمونه‌های این مسئله بود. معاون اول رئیس‌جمهور در همان دوره، عملکرد بخش سلامت و خدمات کادر درمان را از عوامل موثر بر انسجام و وفای ملی در شرایط جنگ دانست. این تجربه نشان داد که انسجام ملی فقط در شعارهای رسمی یا تجملعات عمومی ساخته نمی‌شود؛ کاهی یک پزشک به بیمارستان راترک نمی‌کند، یکی راننده که خدمات شهری را ادامه می‌دهد، یک کارمند که در شرایط بحرانی سر کار حاضر می‌شود یا خانواده‌ای که در سخت‌ترین شرایط زندگی روزمره خود را حفظ می‌کند، در حال مشارکت در ساخت همین سرمایه اجتماعی است.

انسجام پایدار

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه ایران در بحران‌های اخیر، توانایی برای حفظ زندگی عادی در شرایط غیرعادی بوده است. جنگ می‌تواند با ترس، نااطمینانی و اختلال همراه باشد. اما اگر جامعه بتواند در کنار دفاع و مقاومت، زندگی روزمره خود را نیز حفظ کند، ظرفیت تاب‌آوری آن افزایش پیدا می‌کند. این موضوع برای دولت پزشکیان اهمیت ویژه‌ای دارد. انسجام زمانی شکل می‌گیرد که مردم احساس کنند در یک سرنوشت مشترک قرار دارند و هزینه‌ها و مسئولیت‌ها فقط بر دوش بخشی از جامعه نیست. به همین دلیل، نحوه مواجهه دولت با مشکلات اقتصادی و معیشتی نیز بخشی از سیاست انسجام ملی محسوب می‌شود. همین موضوع باعث شد تا در شرایطی که کشور با مشکلات زیادی رو به رو بود اما دولت پزشکیان حذف ارز ترجیحی و پرداخت مستقیم یارانه به مردم را در دستور کار قرار دهد. این اقدام علاوه بر آنکه بساط رانت را در واردات کالاهای اساسی جمع می‌کند، همچنین مانع از بروز کمبود در تأمین کالاهای اساسی در کشور شده است. از سوی دیگر، انسجام پایدار، نیازمند احساس عدالت، دیده‌شدن و شنیده‌شدن است.

چهارشنبه

۰۴ ● ۰۶ ● ۱۴۰۵

۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ / ۲۶ اوت ۲۰۲۴

سال هشتم

شماره ۲۴۵۹



armanmeli.ir

«آرمان ملی» از مواجهه دولت و مجلس در قبال طرح مقابله با نفوذ گزارش می‌دهد

تقابل پاستور و بهارستان



کلی جامعه را درگیر چنین ماجرای کتیم به نظر نمی‌رسد که راه به جایی ببرد. چنانکه طی چند وقت اخیر شاهد واکنش‌های مختلفی از سوی چهره‌های متفاوت بودیم و مشخصاً دولت که مخالفت علنی خود با این مصوبه اعلام کرد. حسام‌الدین آشنا مشاور رئیس‌جمهور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم در واکنش به این مصوبه با وارد آوردن ایراداتی به آن گفته است: «جرم و مجازات باید مستقیماً و با معیار روشن در قانون تعیین شود؛ نه اینکه یک وزارتخانه یا دبیرخانه با انتشار فهرست، رفتار شهروندان را جرم یا مباح کند. این موضوع با اصول ۳۴ و ۸۵ اساساًگار است. شورای نگهبان نیز واگذاری بی‌مابطه تعیین مصادیق قانونی را مغایر اصل ۸۵ دانسته است». عبدالرضا دوری فعال سیاسی نیز نوشته است: «قانون مقابله با نفوذ باید تصویب شود؛ نه برای بستن راه نفوذ و رخنه ایران با جهان، بلکه برای بستن راه نفوذ و رخنه سرویس‌های بیگانه به ساختار تصمیم‌گیری، اقتصاد، رسانه و امنیت کشور». لذا مساله در محتوای این مصوبه است، نه چرایی برداختن به آن و اگر قرار است این مصوبه با موافقت همه همراه شود باید اصلاحات بسیاری در آن صورت گیرد که قابل اجراشود.

از مخالفت دولت تا قول قالیباف

پس از مطرح شدن بحث طرح مجلس در خصوص مقابله با نفوذ بیگانگان دولت موضع صریح خود را در مخالفت با این طرح

آرمان ملی

با بیان اینکه مخالفت دولت با این طرح با هدف سیاسی‌کاری نیست، تأکید کرد: «فکر و ذهن دانشمند و استاد باید بر پژوهش علمی متمرکز باشد، نه اینکه به دلیل برگزاری یا شرکت در یک کنفرانس علمی، دغدغه احضار و اتهام جاسوسی داشته باشد». این صحبت‌های عارف بارقه‌هایی از امید رازنده کرد یا تعامل روسای قو، این مساله حل و فصل خواهد شد اما در بهارستان خبر دیگری بود.

تذکیب قول قالیباف

در جریان نشست نمایندگان مجلس که به شکل آنلاین برگزار شد، جزئیاتی از طرح نفوذ به بحث گذاشته شد و برخی نمایندگان واکنش‌های تندی به اظهارات محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در خصوص طرح نفوذ و قول قالیباف به او بابت کنار گذاشتن آن طرح از دستور کار نشان دادند و در پاسخ؛ علی‌نیکزاد نایب رئیس مجلس که ریاست جلسه را بر عهده داشت گفت: «امروز صبح آقای قالیباف را دیدیم و این موضوع را به ایشان گفتم. پاسخ آقای قالیباف این بود که چنین حرفی نزده و چنین موضوعی مطرح نیست. آقای قالیباف گفت قوی نداده و چنین صحبتی نکرده که طرح از دستور کار مجلس خارج شود». وی افزود: «اگر نمایندگان ایراد و ابهامی نسبت به مواد طرح داشته باشند، طبیعتاً مورد بررسی قرار گرفته و آن مواد برای بررسی بیشتر به کمیسیون ارجاع خواهد شد». اما سایر نمایندگان مواضع تندتری علیه دولت اتخاذ کردند. چنانکه علیرضا سلیمی عضو هیات رئیسه مجلس در تذکری گفت: «دولت نمی‌تواند به مجلس بگوید چه چیزی را تصویب کند و چه چیزی را تصویب نکند. دولت تنهایی توان این‌امه درباره مصوبات مجلس بنویسد، نه اینکه در امور مجلس مداخله کند». احمدی سنگر نماینده رشت، نیز در تذکری اظهار کرد: «انتظار می‌رود آقای قالیباف ضمایر این موضوع را اعلام کند که به دولت قول نداده طرح مقابله با نفوذ بیگانگان از دستور مجلس خارج شود». همچنین ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با انتقاد از مخالفت دولت با طرح مقابله با نفوذ بیگانگان گفت: «وظیفه دولت حل مشکلات معیشتی و اقتصادی است. آقایان چرا به جای تمرکز بر مسائل مهم، فقط درباره این طرح صحبت می‌کنند؟»

«آرمان ملی» سیاست‌های بازدارندگی را بازخوانی می‌کند

وقتی تهدید معتبر تعیین‌کننده می‌شود

خط قرمز تبدیل شود. زیرا خط قرمز هنگامی ارزش دارد که طرف مقابل بداند عبور از آن واقعاً با واکنش روبه‌رو خواهد شد. روشن است که اگر این خطوط از اندازه بگذرد، باید به هر اتفاقی که عبور از خط باشد واکنش نشان دهد و چون چنین امکانی ممکن است با واقعیت‌های میدانی همسو نباشد، خودداری از واکنش، معنای خط قرمز را مخدوش خواهد کرد. همچنین تهدید باید تا حد امکان روشن باشد. عبارت‌هایی مانند «پاسخ سخت خواهیم داد» به تنهایی اطلاعات زیادی به طرف مقابل نمی‌دهد. تهدید موثر باید به یک محاسبه مشخص منجر شود؛ اگر طرف مقابل اقدام «ایر» را انجام دهد، ایران اقدام «چنان» خواهد کرد. در اینجا حتی یک واکنش محدود اما قطعی می‌تواند از ده‌ها تهدید شدید مؤثرتر باشد. زیرا هدف بازدارندگی ترساندن دائمی دشمن نیست؛ تغییر محاسبه اوست. در مورد تنگه هرمز نیز همین منطق صادق است. ایران نشان داده که توانایی اعمال قدرت خود را در تنگه هرمز دارد و همین توانایی، ابزار مهم بازدارندگی است. در عین حال اگر تهدیدی بارها تکرار شود و شرایط اجرای آن برای طرف مقابل نامعلوم باشد، دشمن به تدریج می‌تواند راه‌های مقابله با آن را پیدا کند و تهدید را به یک متغیر قابل محاسبه تبدیل کند. بنابراین بازسازی اعتبار بازدارندگی به معنای کاهش قدرت یا عقب‌نشینی نیست؛ به معنای استفاده دقیق تر از قدرت موجود است. اگر موضوعی آقدر مهم نیست که ایران حاضر باشد برای آن هزینه بدهد، بهتر است از ابتدا به عنوان خط قرمز معرفی نشود. اما اگر موضوعی واقعا حیاتی است، باید از پیش برای اجرای تهدید مربوط به آن آمادگی داشت. شاید ایران بیش از آنکه به تهدیدهای بیشتر نیاز داشته باشد، به انضباط بیشتر در استفاده از ابزار تهدید نیاز دارد. تهدید سرمایه‌ای است که اگر بیش از اندازه مصرف شود، ارزش آن کاهش پیدا می‌کند.

هدف نهایی از بازدارندگی

هدف این نیست که دشمن از شنیدن هر سخن مقام ایرانی بترسد. هدف این است که وقتی ایران درباره موضوعی مشخص هشدار می‌دهد، طرف مقابل نتواند با اطمینان بگوید که این هشدار مثل تهدیدهای قبلی است. اگر چنین اطمینانی در ذهن دشمن شکل بگیرد، حتی قدرت واقعی کشور نیز بخشی از اثر خود را از دست می‌دهد. اما اگر طرف مقابل بداند که میان اعلام یک خط قرمز و اجرای آن فاصله‌ای نیست، حتی بدون استفاده از قدرت نظامی نیز می‌توان به بازدارندگی دست یافت. شاید مهم‌ترین درس تجربه سال‌های اخیر همین باشد که برای افزایش اعتبار تهدید، لزوماً نباید بیشتر تهدید کرد؛ باید کمتر، دقیق‌تر و معتبرتر تهدید کرد و این نه به معنای تضعیف سیاست بازدارندگی، بلکه دقیقاً به معنای تقویت آن است.

سیاست

گزارش

«آرمان ملی» از وضعیت بنزین

در تهران گزارش می‌دهد

وقتی شایعه بنزین را کمیاب می‌کند



آرمان ملی- عماد موحّد: ما همه هجوم مردم به پمپ بنزین‌ها و ایجاد صف‌های بلند را دیده‌ایم. در سال‌های اخیر بارها این اتفاق افتاده است و هر بار که نگرانی در بین شهروندان ایجاد شده، یکی از کارها انگار بر کردن باک بنزین بوده است. البته این سوال بدون پاسخ می‌ماند که با یک باک بنزین چه می‌توان کرد و اگر مشکل ادامه‌دار باشد، با بیست سی لیتر بنزین چه می‌توان کرد؟ در روزهای اخیر که روشن شدن قیمت بنزین در راس برنامه‌های دولت قرار دارد، اخبار ضد و نقیض موجب گسترش نگرانی شده است. اتفاقی که در کرمان افتاد به این نگرانی‌ها دامن زده است. حرف‌های سقاب اصفهانی هم مزید بر علت شده و حالا نگاه مردم به موضوع در حال تغییر است. در روزهای اخیر خبرهایی درباره از مدار خارج شدن برخی پمپ بنزین‌ها منتشر شده است. تسنیم نوشت که مدیر منطقه تهران شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی درباره تعطیلی برخی پمپ بنزین‌ها در تهران گفته است: افزایش ناگهانی تقاضا و نیز ترافیک مسیرهای مواصلاتی که منجر به تأخیر در ارسال محمولات گردیده، موجب اتمام بنزین در تعداد محدودی جایگاه و بسته شدن چند ساعته شده است. در همین راستا مدیر منطقه تهران شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی تهران از افزایش ۳۰ درصدی توزیع بنزین در تهران خبر داد و گفت: با توزیع بیش از ۲۶ میلیون لیتر بنزین در پایتخت، رکورد توزیع سال ۱۴۰۵ در تهران شکست. شرکت ملی پخش گفته افزایش تقاضا ناشی از انتشار برخی شایعات در رسانه‌ها و تعطیلات پیش‌رو بوده است. هم‌زمان، توزیع روزانه تهران به بیش از ۲۶ میلیون لیتر رسیده، یعنی حدود ۳۰ درصد بیشتر از سطح معمول اخیر.

با همه اینها، تغییر ناگهانی تقاضا را چطور می‌توان دید؟

بر کردن باک

ترس از گران شدن بنزین یا تغییر سهمیه بندی محتمل‌ترین عامل است. وقتی مردم در فضای اقتصادی ایران شایعه‌ای درباره تغییر قیمت یا سهمیه می‌شنوند، واکنش فوری را در مقیاس بزرگ رخ دهد، خودش کمبود موقت ایجاد می‌کند. البته می‌توان نگرانی و ترس از کمبود فیزیکی بنزین را هم در نظر گرفت که ربطی به قیمت ندارد و می‌تواند از شایعه قیمت هم مهم‌تر باشد. مردم ممکن است ندانند قرار است بنزین گران شود، اما با دیدن صف یا شنیدن خبر تعطیلی چند جایگاه، تصور کنند در روزهای آینده ممکن است بنزین کمیاب شود؛ بنابراین زودتر به جایگاه مراجعه می‌کنند. شرکت پخش مشخصاً به تعطیلات ۱۷ ربیع‌الاول اشاره کرده است. طبیعی است که پیش از تعطیلات، مصرف بنزین افزایش پیدا کند، اما به تنهایی افزایش ۳۰ درصدی را توضیح نمی‌دهد و احتمالاً در کنار عوامل روانی عمل کرده است. در کنار این عوامل باید به اثر خودتقویت‌شونده صف‌ها هم توجه کرد. این نکته بسیار مهم است. ممکن است اصلاً کمبود اولیه بزرگی وجود نداشته باشد اما داستان‌ها و اخبار می‌شود که چند جایگاه دچار مشکل می‌شوند، صف تشکیل می‌شود، مردم صف را می‌بینند و تصور کمبود ایجاد می‌شود، باک ماشین‌ها را پر می‌کنند، تقاضا بیشتر می‌شود و در نتیجه جایگاه‌های بیشتری تخلیه می‌شوند. این همان حالتی است که گفته می‌شود شایعه می‌تواند کمبود موقت بسازد.

آزمایش برای دولت

اما یک نکته بسیار جالب در این بین وجود دارد. اگر واقعاً شایعه افزایش قیمت یا تغییر سهمیه باعث جهش تقاضا شده باشد، دولت همین حالا یک آزمایش طبیعی بسیار ارزشمند در اختیار دارد که بدون آنکه رسماً قیمت بنزین را تغییر دهد، می‌تواند ببیند صرف احتمال تغییر سیاست بنزینی چه واکنشی در جامعه ایجاد می‌کند. البته منظور این نیست که کسانی به این فکر افتاد ه‌اند تا جامعه را محک بزنند، چنین ادعایی مورد و بدون سند و مدرک است و شواهدی برای چنین ادعایی وجود ندارد. گزارش‌های رسمی می‌گوید افزایش تقاضا و ترافیک موجب تأخیر در حمل محموله‌ها شده و همین مسئله به تعطیلی موقت برخی جایگاه‌ها انجامیده است. اما از منظر سیاست‌گذاری این اتفاق یک پیام مهم دارد. دولت باید متوجه این پیام روشن بشود که جامعه ایران نسبت به هر نشانه‌ای از تغییر در سیاست بنزین فوق‌العاده حساس است و شاید حتی بتوان گفت دولت اکنون متوجه شده که قبل از اجرای هر اصلاح بنزینی، باید اثر روانی خبر آن اصلاح را هم محاسبه کند. این برای دولتی که می‌خواهد قیمت یا نظام سهمیه‌بندی را تغییر دهد، اطلاعات بسیار مهمی است.

ادعای عجیب سقاب

صحبت‌های سقاب اصفهانی درباره قاچاق بنزین، تقریباً تمام ناظران و فعالان سیاسی را در بهت فروبرده است. سقاب ادعاهایی مطرح می‌کند که بسیار سنگین‌تر از تصور است. ادعاهای مطرح شده توسط سقاب در ذهن هر شنونده یا بیننده‌ای این سوال را پدید می‌آورد که چرا رسیدگی نمی‌شود؟ اگر حرف سقاب درست است، قوه قضاییه بدون مداخلات برخورد کند و حرف‌های سقاب درست نباشد، وظیفه پزشکیان است که روشن کند چرا فردی مانند سقاب چنین ادعاهایی مطرح کرده است؟ در عین حال، آنچه که حرف سقاب تایید می‌کند، قاچاق بنزین است. دولت باید با کمک نهادهای دیگر جلقاچاق را بگیرد. جلوگیری از قاچاق بنزین به نظر کم‌هزینه‌ترین راه است... اگر البته اتفاقات کرمان، بندرعباس و تهران را در نظر بگیریم.